

## واکاوی ضرورت‌ها و موانع اصلاحات در شورای امنیت

دکتر آرمین امینی\*  
زهرا محمودی\*\*

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۱۹

تاریخ تأیید نهایی: ۸۹/۵/۱۵

### چکیده

شورای امنیت، مهم‌ترین نهاد بین‌المللی است که بر اساس ماده ۲۴ منشور ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. قدرت فوق‌العاده این نهاد، در اختیارات گسترده‌ای ریشه دارد که منشور ملل متحد برای آن در نظر گرفته است. اما ترکیب کنونی شورای امنیت، انعکاس‌دهنده موازنه قدرت در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم است و این ترکیب با وضعیت امروز جهان و شرایط حاکم بر روابط بین‌الملل انطباق ندارد. در این مقاله، ضمن بیان ضرورت اصلاحات در شورای امنیت، موانعی که در این زمینه وجود دارد نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج بدست آمده، گرچه اصلاح ساختار شورای امنیت برای تطبیق با واقعیت‌های کنونی جهان مطلوب و ضروری است، اما با توجه به واقعیت‌های سیاسی، تحقق آن آسان نخواهد بود. علت این امر نیز، مجموعه عواملی است که موضوع اهمیت بسیار زیاد شورای امنیت، به‌منزله تنها نهاد بین‌المللی با اختیارات وسیع در حوزه صلح و امنیت بین‌المللی، در رأس آن‌ها قرار دارد.

**کلیدواژگان:** سازمان ملل متحد، شورای امنیت، حق وتو، اعضای دائم شورای امنیت، قدرت.

\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (arminamini@yahoo.com).

\*\* دانشجوی دوره دکتری روابط بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.

### مقدمه

علی‌رغم ناتوانی جامعه ملل در جلوگیری از وقوع جنگ جهانی دوم، قدرت‌های متفق - ایالات متحده آمریکا، شوروی و انگلستان - در بحبوحه جنگ، طرح اولیه سازمانی را پی ریزی کردند که در نهایت پس از کنفرانس‌های متعدد با تصویب ۵۰ کشور در کنفرانس سانفرانسیسکو (۱۹۴۵) منجر به تشکیل سازمان ملل متحد شد. سازمان ملل متحد که با هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تشکیل شده بود، به علت شکل‌گیری جنگ سرد و رقابت بین شوروی و آمریکا، نتوانست کارایی مدنظر را داشته باشد. گرچه با پایان جنگ سرد، فعالیت سازمان ملل و شورای امنیت فزونی یافت، اما این واقعیت‌های سیاسی پس از جنگ سرد بود که باعث طرح مجدد موضوع اصلاحات در شورای امنیت، برای تطبیق آن با تحولات جدید شد. البته این موضوع پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ تشدید گردید. این مقاله با استفاده از تئوری نو واقع‌گرایی به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که ضرورت‌ها و موانع اصلاحات در شورای امنیت چیست؟ فرضیه مقاله این است که گرچه موضوع عدم تطابق توزیع قدرت در سازمان ملل با توزیع قدرت در سطح نظام بین‌المللی پس از جنگ سرد؛ به‌منزله مهم‌ترین ضرورت اصلاحات در شورای امنیت مطرح است، اما عدم هماهنگی بین منافع اعضای دائمی شورای امنیت در مورد نوع اصلاحات و همچنین رقابت‌های سیاسی در خارج از سازمان ملل به‌منزله موانع اصلاحات بنیادی در سازمان ملل محسوب می‌گردد.

### بهره اول: چارچوب نظری

براساس شواهد تاریخی می‌توان گفت که نظام روابط بین‌الملل در هر دوره حاصل توافقی است که بین قدرت‌های بزرگ صورت گرفته و اصول آن تا استقرار نظامی دیگر که به همین ترتیب به وجود می‌آید، معتبر خواهد بود. البته مشروعیت این نظام جدید نیز در گرو حمایت قدرت‌های بزرگ می‌باشد (نقیب زاده، ۱۳۸۳، ۵۳). در این مقاله به چند علت نظریه نو واقع‌گرایی به‌منزله چارچوب نظری بحث انتخاب شده است:

- ۱) علی‌رغم همه نقدهایی صورت گرفته که از نظریه واقع‌گرایی، هنوز این نظریه به مثابه نظریه مسلط در روابط بین‌الملل به شمار می‌آید (مشیرزاده، ۱۳۸۴، ۷۳).
- ۲) چند دهه فعالیت شورای امنیت نشانگر آن است که عمل کرد شورا تا حد زیادی

به نوع نظام بین‌الملل وابسته است. بر این اساس، به نظر می‌رسد این دیدگاه توانایی بیش‌تری برای تبیین جای‌گاه، عمل‌کرد و مباحث مطرحه در عملکرد شورای امنیت داشته باشد (ترابی، ۱۳۸۵، ۳).

۳) برخلاف جامعه ملل که اساساً براساس دیدگاه آرمان‌گرایانه شکل گرفته بود، سازمان ملل متحد حاصل ترکیبی از دیدگاه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. به ویژه این‌که با وجود نهادهایی در سازمان ملل مانند شورای امنیت، اعضای دائم و حق وتوی آن‌ها، نمودهای نظریه واقع‌گرایی در آن آشکارتر می‌شود.

بر اساس نظریه نئورئالیسم، نظام بین‌الملل از ماهیت آنارشیک برخوردار است که این موضوع، باعث کارکرد یک‌سان و مشابه دولت‌ها براساس اصل خودیاری و جستجوی بقا و امنیت می‌شود. اما علی‌رغم مشابهت کارکردی، توزیع قدرت بین دولت‌ها نابرابر و غیرمتوازن است و براساس توزیع قدرت، نظام‌های خاصی شکل می‌گیرند که هر کدام از این نظام‌ها شرایط خاصی را بر دولت‌ها و واحدها تحمیل می‌کنند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳، ۴۱۸). سازمان ملل متحد نیز به‌منزله یک سازمان جهانی از این امر مستثنی نیست و عمل‌کرد، موفقیت یا ناکامی‌هایش همه به نوع نظام بین‌الملل و توزیع قدرت در سطح جهانی بستگی دارد. بنابراین اگر فرض بر آن باشد که با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، توزیع قدرت و متعاقب آن نوع نظام بین‌الملل دچار تحول شده است، در این حالت شرایط برای عمل‌کرد و فعالیت سازمان ملل متحد نیز دگرگون گشته است. لذا بحث اصلاح سازمان ملل و شورای امنیت نیز از این امر مستثنی نبوده و اصلاح و عدم اصلاح و هم‌چنین سطحی و یا عمیق بودن آن، تا حد زیادی وابسته به نوع نظام بین‌الملل و توزیع قدرت می‌باشد.

### بهره دوم: سازمان ملل، از تأسیس تا پایان جنگ سرد

سازمان ملل متحد، دومین سازمان در مقیاس جهانی است که توسط دولت‌ها با هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد شده است. اولین تجربه از این سنخ از سازمان، متعلق به جامعه ملل بود که به دنبال پایان جنگ جهانی اول، طی کنفرانس صلح پاریس تشکیل شد و با تأیید میثاق جامعه ملل در ۲۸ آوریل ۱۹۱۹، ماده اول آن جزء پیمان ورسای گردید. با تصویب پیمان ورسای، جامعه ملل در ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ رسماً با ۴۹ عضو تشکیل شد (موسی زاده، ۱۳۸۴، ۷۰). این سازمان گرچه با اهداف بزرگی شکل

گرفته بود اما در عمل دچار شکست شد. این سازمان علاوه بر ضعف‌های سیاسی، حقوقی و ساختاری که داشت، مهم‌ترین ضعف آن را می‌توان در مبانی نظری ایده‌آلیستی دانست که براساس آن شکل گرفته بود. اما دولت‌های بنیانگذار سازمان ملل متحد سعی کردند با ترکیب نظریات واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی و تأسیس نهادهای متناسب با اهداف سازمان، مانع تکرار تجربه شکست جامعه ملل در مورد سازمان ملل شوند. نمود بارز نظریه آرمان‌گرایی در سازمان ملل را می‌توان در نهاد مجمع عمومی و بند ۱ ماده ۲ منشور دید که در آن بر تساوی حاکمیت کلیه اعضای آن تأکید شده است. برخلاف جامعه ملل، مبنای نظری واقع‌گرایی در سازمان ملل مشهودتر است و می‌توان آنرا در سه مورد به وضوح مشاهده کرد:

الف) بند ۱ ماده ۱ منشور: در این بند، بر حفظ صلح و امنیت بین‌الملل از طریق اقدامات دسته جمعی مؤثر تأکید می‌شود. در حقیقت این سازمان با تأکید بر نظم بین‌الملل و برتری صلح بر عدالت، حفظ وضع موجود را مهم‌ترین وظیفه سازمان می‌داند (شاکریان، ۱۳۷۴، ۴۵-۶۶).

ب) وضعیت دوگانه اعضای سازمان ملل: علی‌رغم تصریح بر تساوی حاکمیت دولت‌ها در بند ۱ ماده ۲ منشور، در بند ۳ ماده ۲۷ منشور با اعطاء اختیاراتی به اعضای دائم، سازمان را در وضعیتی دوگانه قرار می‌دهد که از این نوع اختیارات در محافل سیاسی، به مثابه رأی سنگین تعبیر می‌شود. به عبارت دیگر، علی‌رغم تساوی حاکمیت اعضای سازمان ملل، اعضای دائمی دارای اعتبار و نفوذ بیشتری در شورای امنیت هستند.

ج) تناسب قدرت و مسئولیت: در کنفرانس سانفرانسیسکو احساس می‌شد که باید ارتباطی بین تعهداتی که بر برخی از دولت‌ها تحمیل می‌گردد و توانایی آن‌ها برای تأثیرگذاری بر تصمیمات سازمان وجود داشته باشد. قدرت و مسئولیت باید با یکدیگر در هم می‌آمیخت. این مبنایی بود که بر پایه آن تصمیم گرفته شد به برخی دولت‌ها وضعیتی ویژه اعطاء شود. این دولت‌ها، دولتی هستند که مهم‌ترین تضمین‌کنندگان امنیت تلقی می‌شوند. یعنی کشورهایی که براساس منابع صنعتی و نیروی انسانی خود به احتمال زیاد برای تجهیز نیروی ضروری برای حفظ صلح در جهان فراخوانده خواهند شد (Goodrich and Hambro, 1946, 305). بر این اساس، انتظار می‌رفت سازمانی که با این ویژگی‌ها شکل گرفته بود، بتواند در مسائل مربوط به صلح و امنیت

بین‌المللی نقشی برجسته ایفا کند. اما شکل‌گیری جنگ سرد و رقابت دو ابرقدرت باعث شد که سازمان ملل عملاً کارایی خود را از دست بدهد. جنگ سرد از دو طریق باعث شد که سازمان ملل و شورای امنیت نتواند به وظایف خود عمل کند: (۱) رقابت دو ابر قدرت شوروی و آمریکا که هر دو از اعضای دائمی شورای امنیت و دارای حق وتو بودند، موجب شد که شورا در اموری که مربوط به منافع دو کشور بود با شکست روبرو شود و هر قطعنامه‌ای که منافع طرف مقابل یا متحدین آن‌ها را به خطر می‌انداخت با وتوی آن دولت مواجه گردد (آقایی، ۱۳۸۲، ۲). به طوری که تا مارس ۲۰۰۷ اعضای دائم شورای امنیت ۲۵۰ بار از حق وتو استفاده کردند (Globalpolicy, 2007,3) از نمونه‌های بارز این امر، وتوی اتحاد شوروی در قضیه مجارستان (۱۹۵۶)، وتوی فرانسه و انگلیس در قضیه کانال سوئز (۱۹۵۶)، وتوهای مکرر آمریکا در قبال تجاوزات اسرائیل به جنوب لبنان و... است.

(۲) تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای: شوروی و آمریکا تلاش می‌کردند با تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای مانند ناتو، سنتو، سیتو و ورشو، مسائل بین‌المللی را از طریق این سازمان‌ها حل و فصل کنند، که این امر باعث بی‌توجهی به سازمان ملل و شورای امنیت می‌گردید.

بر این اساس سازمانی که با هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تشکیل شده بود، عملاً در نتیجه اقدامات بنیان‌گذاران اصلی آن، به سازمانی ناکارآمد و بی‌فایده تبدیل شده بود. اما فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و تحولات پس از آن، افزون بر این‌که نوید دوران تازه‌ای را برای سازمان ملل می‌داد، باعث طرح مباحث مهمی در خصوص اصلاحات در سازمان ملل متحد به‌ویژه شورای امنیت گردید.

### بهره سوم: ضرورت‌های اصلاحات در شورای امنیت

نظرات مربوط به اصلاحات در سازمان ملل متحد را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد (آقایی، ۱۳۸۲، ۳): ۱- گروه اول وجود سازمان را بی‌فایده دانسته، معتقدند که کشورها خود به بهترین وجه می‌توانند منافع خویش را تأمین کنند و جامعه بین‌المللی نیازی به این سازمان ندارد. شاید بتوان گفت که افراطی‌ترین افراد این گروه، سازمان را تحت سلطه یهودیان و فراماسونها می‌دانند. ۲- گروه دوم خواهان هم‌کاری و تعاون فزاینده بین‌المللی هستند؛ اما معتقدند که سازمان از اساس زیر سؤال است؛ زیرا با عضویت

کشورهایی که دارای منافع ملی گوناگون هستند این سازمان نه می‌تواند و نه خواهد توانست با مسائل بین‌المللی مقابله کند. به عبارت دیگر، این گروه، ضمن اعتراف به نیاز جامعه جهانی به وابستگی متقابل و همکاری‌های متشکل و چند جانبه، به سازمان ملل متحد به منزله سازوکاری مؤثر برای مقابله با مسائل بی‌شمار و پیچیده جهانی با دیده تردید می‌نگرد. ۳- گروه سوم که گروه میانه هستند با ترکیب سازمان موافق هستند و در این راستا به موفقیت‌های سازمان ملل اشاره می‌کنند. این گروه به رغم تأیید ضعف‌های سازمان خواهان اصلاحات در آن و تطبیق با شرایط امروزی هستند.

با وجود فعالیت سازمان ملل در زمینه‌های مختلف، نقش آن در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نمایان تر است. این امر گرچه باعث شده که سازمان ملل به بازیگری پیچیده با نقش‌های مختلف تبدیل شود اما هم‌چنان ارزیابی شکست و پیروزی آن، مربوط به تلاش‌هایش برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است (آقایی، ۱۳۸۳، ۱۲-۱۳). بر این اساس نیز اکثر مباحث مربوط به اصلاح ساختار سازمان ملل، در مورد اصلاحات در شورای امنیت به مثابه قلبی که وظیفه تنظیم و رهبری نظم بین‌المللی را دارد - (Auswärtiges, 2009,1) است که با عملی شدن آن‌ها، سازمان ملل مجهزتر و سازماندتر با چالش‌های پیشرو مواجه خواهد شد (Kugel, 2009,7). این مباحث زمانی مطرح شد که سازمان ملل به ویژه شورای امنیت یکی از بهترین دوران‌های خود را می‌گذراند. دخالت شورای امنیت در بحران کویت، سومالی و... گرچه نشان از اجماع بین‌المللی برای حفظ صلح و امنیت داشت اما تغییر در واقعیات سیاست بین‌المللی، اصلاحات در شورای امنیت را ضروری ساخت.

در مجموع دلایل ضرورت اصلاحات در شورای امنیت را می‌توان در چهار مورد بیان کرد:

۱- مطرح شدن مسایل امنیتی جدید پس از جنگ سرد: تغییر و تحولات امروزی عمدتاً در مسائل امنیتی رخ می‌دهند. از آن‌جا که این مسائل و مخاطرات جدید در عرصه بین‌المللی محصول رویدادهای دوران پس از جنگ سرد است، ماهیتی متفاوت داشته و از این رو برخوردی متفاوت را نیز می‌طلبند (آقایی، ۱۳۸۳، ۱۲-۱۳). اختلافات قومی، مذهبی، اقتصادی، اختلافات درون سرزمینی، تروریسم، مسأله خلع سلاح، فقر و... از جمله مسائلی هستند که باعث افزایش تقاضای بین‌المللی برای انواع خدمات سازمان ملل و گسترش اولویت‌های آن شده‌اند. در این میان نقش شورای امنیت سازمان

ملل برای ایجاد هماهنگی بین‌المللی در مواجهه با این تهدیدات نوین از اهمیتی ویژه برخوردار است و به همین جهت انجام اصلاحات در راستای ارتقای توانایی شورای امنیت ضرورت بیشتری خواهد یافت (بعیدی نژاد، ۱۳۸۵، ۸).

**۲- پایان جنگ سرد و برهم خوردن نظام دو قطبی:** شکل بندی نظام روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم به صورت دو بلوک شرق و غرب و تعارضات سیاسی-ایدئولوژیکی باعث شد که توازن موجود در شورای امنیت به توازن سخت تبدیل شود و سازمان ملل نیز تحت تأثیر این رقابت از هر گونه تصمیم‌گیری و ایفای نقش مؤثر باز بماند. با توجه به این وضعیت، سازمان ملل در دوران نظام دو قطبی، به سازمانی تابع و فاقد نقش و عمل‌کرد مؤثر بین‌المللی برای حل و فصل بحران‌ها تبدیل شد (قاسمی، ۱۳۸۵، ۱۵-۲۲). اما پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، به برخوردهای ایدئولوژیک بین دو بلوک در سطح کلان خاتمه داد و اقتصاد به مهم‌ترین مؤلفه این نظام تبدیل شد. بلوک بندی‌هایی که در درون این سیستم در حال شکل‌گیری اند، بجای آنکه دارای ماهیت سیاسی یا نظامی باشند، دارای ماهیت اقتصادی‌اند و این امر موجب تغییر در نظام توزیع قدرت شده است. به موازات این امر، قدرتهای اقتصادی نوظهور خواستار ایفای نقش مؤثرتر در شورای امنیت و اصلاح آن هستند (دوستی، ۱۳۸۶، ۳۶-۳۷).

**۳- افزایش توان تأثیرگذاری برخی از بازیگران بین‌المللی:** سازمان‌ها اغلب محصول و نتیجه اوضاع و شرایط بین‌المللی هستند. به عبارت دیگر، نوع ساختار و توزیع قدرت در درون سازمان، بیان‌گر ساختار و توزیع قدرت در صحنه سیاست بین‌المللی است. ترکیب فعلی شورای امنیت بیان‌گر واقعیات سیاسی پس از جنگ جهانی دوم است و با توجه به تغییراتی که در سطح نظام بین‌الملل با فروپاشی شوروی رخ داده است، شورای امنیت دیگر منعکس‌کننده واقعیات ژئوپلتیک جدید نیست و قدرت‌های نوظهور در صحنه سیاست بین‌المللی خواستار ایفای نقشی مؤثر در صحنه بین‌المللی و سازمان ملل هستند. در میان بازیگران قدرتمند جدید، ژاپن، آلمان، هند و برزیل از برجسته‌ترین بازیگرانی هستند که خواستار اصلاحات در شورای امنیت متناسب با توزیع قدرت پس از جنگ سرد هستند (ترابی، ۱۳۸۵، ۴). در این میان دو کشور ژاپن و آلمان به دلیل نقش آن‌ها در اقتصاد بین‌المللی و تأمین بودجه سازمان ملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در دوران جنگ سرد، رویارویی امریکا و شوروی در یک رقابت همه‌جانبه، به‌ویژه مسابقهٔ پرخرج تسلیحاتی و گسترش چتر حمایتی

دفاعی - امنیتی از سوی آن‌ها در گستره جهانی، همراه با دیگر عوامل مساعد موجب گردیدند که بازیگران یاد شده به‌ویژه آلمان و ژاپن در پناه چتر حمایتی امریکا، آسوده از ورود در رقابت‌های تسلیحاتی و فارغ از افزایش توان دفاعی خود، توان اقتصادی و نیز سهم خود از بازار تجارت جهانی را به‌طور چشمگیری توسعه بخشند. اما آن‌ها نمی‌توانستند و تا حدی نیز نمی‌خواستند در جهت افزایش نقش سیاسی خود در جامعه جهانی گام‌های بلند بردارند، تا جایی که آن‌ها به غول‌های اقتصادی و کوتوله‌های سیاسی معروف شدند (شاکریان، ۱۳۷۴، ۴۵-۶۶). اما مجموعه تحولات پس از جنگ سرد و ضرورت تعریفی نو از منافع ملی باعث شد که این بازیگران لزوم ورود هرچه فعالتر به صحنه سیاسی بین‌المللی را بیش از پیش احساس کنند. چنان‌چه اوکیتا، وزیر خارجه اسبق ژاپن در این خصوص اظهار داشت: عصر به‌اصطلاح خط‌مشی‌های خارجی انفعالی ژاپن به پایان رسیده است و باید نقش فعال‌تر داشته و دارای گرایش جهانی جایگزین آن‌ها شود (کیهان، ۱۳۷۹، ۶). هلموت کهل، سیاستمدار آلمانی نیز در اجلاس سران هفت کشور صنعتی در ۱۹۹۳ اعلام داشت: آلمان خواهان کرسی عضویت دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد با حق وتوی کامل است (Herald Tribune, 1993). هند و برزیل نیز به همراه آلمان و ژاپن از نامزدهای اصلی عضویت دائم در شورای امنیت هستند. این دو کشور، خود را از جمله قدرت‌های عمده منطقه‌ای می‌دانند که با توجه به پیشرفت‌های اقتصادی و جمعیت زیاد، شایسته عضویت دائم در شورای امنیت هستند. این کشورها هم‌چنین با عنایت به نقش فزاینده جنوب در روابط بین‌الملل و با توجه به ملاک‌هایی مانند قدرت سیاسی - اقتصادی، همگرایی‌های منطقه‌ای، جمعیت مشارکت در حفظ صلح و توزیع عادلانه جغرافیایی، خود را از دولت‌های تأثیرگذار در این گروه می‌دانند که به همراه دیگر کشورها مانند اندونزی، مصر و نیجریه بیش از دیگران بر اساس یک ائتلاف ناپیدا برای رسیدن به این هدف تلاش می‌کنند (ترابی، ۱۳۸۵، ۶).

۴- نیاز به نمایندگی عادلانه در شورای امنیت: بر طبق بند ۱ ماده ۲۴ منشور ملل متحد، شورای امنیت به نمایندگی از اعضای ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد. گرچه طبق ماده ۲۵ منشور، اعضاء، موظف به پذیرش تصمیمات شورا هستند اما مبانی نظریه نمایندگی، لزوم تناسب بین اعضا و نمایندگان را ایجاب می‌کند. اصلی که با افزایش اعضای سازمان ملل اعتبار آن متزلزل شده است.

سازمان ملل در بدو تشکیل آن در کنفرانس سانفرانسیسکو ۵۱ عضو داشت که در ۱۹۶۳ که اولین اصلاحات در شورا صورت گرفت به ۱۱۴ عضو افزایش یافت و امروزه سازمان ملل شامل ۱۹۲ عضو است (Weiss, 2003, 147-161) که این موضوع، بیش از پیش توجه به اصل نمایندگی عادلانه را مطرح می‌نماید. به لحاظ کمی، نسبت اعضای شورای امنیت به کل اعضای سازمان ملل از یک به پنج، به یک به سیزده کاهش و نسبت اعضای دائمی شورا به کل اعضاء از یک به ده، به یک به سی و هشت کاهش یافته است (اسلامی، ۱۳۸۵، ۲۳-۲۹). به لحاظ کیفی نیز اعضای دائم را به سختی می‌توان نماینده جامعه بین‌الملل دانست. کاهش قدرت فرانسه، انگلیس و روسیه همراه با ظهور قدرت‌های جدید، تغییر در ترکیب شورای امنیت را به موضوعی ضروری تبدیل کرده است. طرفداران افزایش اعضای شورای امنیت معتقدند که افزایش اعضای شورا باعث می‌شود که تصمیمات آن مورد پذیرش اعضای بیش‌تری قرار گیرد و از این طریق مشروعیت و اثر بخشی شورا افزایش می‌یابد (آقایی، ۱۳۸۴، ۱۰۸).

#### بهره چهارم: طرح‌های اصلاح شورای امنیت

پیشینه تقاضا برای تغییر ساختار شورای امنیت و افزایش اعضای آن به کنفرانس سانفرانسیسکو باز می‌گردد. در همان زمان برخی دولت‌های شرکت کننده بر این باور بودند که محدود کردن اعضای دائم شورای امنیت به پنج دولت قدرتمند، برخلاف رویه جامعه ملل است که در آن راه برای عضویت دیگر قدرت‌های بزرگ باز گذاشته شده بود، چرا که ممکن است در آینده، کشور یا کشورهایی از این پنج عضو توان ایفای وظایف و مسؤولیت‌هایی را که برعهده آن‌ها گذاشته است را از دست بدهند. بدین ترتیب پیشنهادی برای تعیین اعضای دائم مطرح شد که ملاک توانمندترین دولت‌ها برای ایفای وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. اما قدرت‌های متفق که اندیشه عضویت دائم در شورای امنیت را از مدت‌ها قبل در سر می‌پروراندند این پیشنهاد را رد کردند (Documents Of The United Nations Conference, 2002, 289).

تنها اصلاح مهم در شورای امنیت در سال ۱۹۶۵ صورت گرفت که با افزایش اعضای سازمان ملل از ۵۱ عضو در بدو تأسیس، به ۱۱۴ عضو موافقت گردید. البته تعداد اعضای غیر دائم شورا امنیت نیز طی قطعنامه‌ای در سال ۱۹۶۳، از ۶ عضو به ۱۰ عضو افزایش یافته بود. اما این قطعنامه حق و تو را هم‌چنان برای ۵ عضو دائمی حفظ

کرد (شاگردیان، ۱۳۷۴، ۴۹). هند در سال ۱۹۷۹ پیشنهادی برای تغییر در شورای امنیت ارائه داد که خواستار افزایش اعضای غیردائم از ۱۰ به ۱۴ عضو شده بود. در آن زمان همه اعضای شورای امنیت (به استثنای چین) با هر گونه افزایشی در تعداد اعضای غیر دائم مخالفت کردند. با اعتراض سرسختانه ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه این مسأله به طور جدی در مجمع عمومی مطرح نشد و با گذشت زمان اهمیت خود را از دست داد (سیمبر، ۱۳۷۴، ۲۱-۴۴).

پس از پایان جنگ سرد نیز گرچه زمینه‌های پیش گفته اصلاحات در سازمان ملل فراهم بود اما دو رخداد مهم عملیات طوفان صحرا و حمله ایالات متحده آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بر این مباحثات تأثیر گذاشت: (۱) عملیات طوفان صحرا: طی این عملیات، ایالات متحده به همراه نیروهای ائتلاف و با مجوز شورای امنیت، برای مقابله با عراق که به خاک کویت تجاوز کرده بود وارد عمل شد. به دنبال آن اکثر پژوهشگران بر توانایی سازمان ملل و شورای امنیت برای ایجاد نظم جهانی تأکید می‌کردند. این پژوهشگران شرایط سازمان ملل و شورای امنیت به شیوه فعلی را متناسب می‌دانستند و اصلاحات در آنرا ضروری نمی‌دانستند. (۲) حمله آمریکا به عراق در ۲۰ مارس ۲۰۰۳: پس از حمله ایالات متحده به همراهی انگلستان - که هر دو عضو دائمی شورای امنیت هستند - به عراق، که بدون مجوز شورای امنیت صورت پذیرفت، بسیاری پایان عمر سازمان ملل را اعلام کردند (مهدویان، ۱۳۸۴، ۹۰-۹۹). اما تحولات پس از انتقال حکومت در عراق و تصویب قطعنامه در مورد رفع تحریم‌ها علیه این کشور و واگذاری اختیارات مالی و اداری عراق به ایالات متحده، مجدداً توجهات را به سازمان ملل افزایش داد. اما این بار، همه اعضای سازمان در مورد اصلاحات در سازمان ملل و شورای امنیت متفق القول بودند. کشورهای طرفدار گسترش شورا خواهان افزایش مشروعیت و کارایی آن بودند. روسیه، فرانسه و چین خواهان افزایش نقش سازمان ملل بوده و سعی داشتند با ایجاد تحول در شورا و تقویت آن، محدودیت‌هایی را برای یکجانبه‌گرایی ایالات متحده ایجاد کنند. ایالات متحده نیز خواستار اصلاحات ساختاری در سازمان ملل و شورای امنیت مطابق با هژمونی‌گرایی خود بود که بتواند از آن به‌منزله ابزاری برای مشروعیت بخشی به اقدامات خود استفاده کند. در چنین فضایی، دبیر کل در پاسخ به این نیاز و برای پیگیری تلاش‌های ناپیوسته‌ای که در سال‌های پس از جنگ سرد با هدف دگرگون‌سازی ساختار سازمان ملل صورت پذیرفته بود، به گونه‌ای جدی

موضوع اصلاحات در سازمان را در دستور کار خود قرار داد و در سال ۲۰۰۳ کمیسیونی مرکب از ۱۶ کارشناس بلندپایه را مأمور کرد تا تهدیدها، چالش‌ها و راهکارهای اصلاح بنیادین ساختار این سازمان جهانی را بررسی کنند. این کمیسیون در دسامبر ۲۰۰۴ پیشنهادهای خود را با عنوان تهدیدها، چالش‌ها و دگرگونی‌های سازمان ملل متحد منتشر کرد که در واقع مایه اصلی گزارش کوفی عنان، دبیر کل سابق سازمان ملل، به مجمع عمومی در سال ۲۰۰۵ با عنوان: «به سوی آزادی بیش‌تر: توسعه، امنیت و اعضای شورای امنیت نشان دهنده واقعیات ژئوپلیتیکی جهان و نماینده اکثریت جامعه جهانی نیست. بر این اساس، در روند اصلاحات شورای امنیت باید زمینه حضور کشورهای فراهمی فراهم شود که نخست از نظر مالی، دیپلماتیک و نیروی نظامی به سازمان ملل کمک بیش‌تری می‌کنند. دوم، موافقت که ۷ دهم درصد از درآمد ناخالص داخلی خود را به‌منزله کمک رسمی به اجرای برنامه‌های توسعه در اختیار سازمان ملل بگذارند. سوم، نمایندگی تعداد بیش‌تری از مردمان را برعهده داشته باشند. چهارم حضورشان به کارایی شورای امنیت آسیب نزنند بلکه سرشت دموکراتیک و پاسخگویی آن تقویت شود (امیری وحید، ۱۳۸۴، ۵۲-۷۳).

علی‌رغم اتفاق نظر تمام اعضای سازمان ملل برای انجام اصلاحات در شورای امنیت، بدلیل شرایط و ویژگی‌ها و منافع متفاوت دولت‌ها، طرح‌های متفاوتی از سوی گروه‌های مختلف ارائه شده است که دو مدل الف و ب گروه کاری شانزده نفره، مدل گروه چهار، مدل ارائه شده توسط گروه اتحاد برای اتفاق، مدل ارائه شده توسط اتحادیه آفریقا، مدل کرسی‌های مضاعف، مدل X، مدل فیلیپ.اچ. گوردون و... از آن جمله هستند (2). در بین مدل‌های ارائه شده، مدل مطرحه توسط گروه ۴، مدل‌های الف و ب گروه کاری شانزده نفره، مدل گروه اتحاد برای اتفاق و مدل اتحادیه آفریقا نسبت به بقیه مدل‌ها توجهات بیش‌تری به خود جلب کرده‌اند که در ذیل به بررسی اجمالی آن‌ها می‌پردازیم.

- **طرح گروه ۴:** این گروه شامل آلمان، ژاپن، برزیل و هند است. رهبران این چهار کشور در پنجاه و نهمین نشست سران مجمع عمومی موافقت کردند که از عضویت دائم یکدیگر در شورای امنیت حمایت کنند. طرح این گروه طی قطعنامه پیشنهادی در

۶ جولای ۲۰۰۵ در اختیار مجمع عمومی قرار گرفت. در این مدل با افزایش ۶ کرسی دائم و ۴ کرسی غیردائم، شمار اعضای شورای امنیت به ۲۵ عضو افزایش می‌یابد. از ۶ کرسی دائم، قاره آفریقا و آسیا هر کدام ۲ کرسی و به گروه اروپای غربی و سایرین ۱ کرسی و به امریکای لاتین و حوزه کارائیب نیز ۱ کرسی تعلق می‌گیرد. توزیع ۴ کرسی غیردائم نیز به این صورت است که آفریقا، آسیا، اروپای شرقی و امریکای لاتین و حوزه کارائیب هر کدام دارای یک کرسی می‌شوند (امیری وحید، ۱۳۸۴، ۵۲-۷۳). اعضای گروه چهار از این واقعیت آگاهند که برای کسب کرسی دائم در شورای امنیت نیاز به جلب دو سوم آرای مجمع عمومی است که اکثر آن‌ها را دولت‌های در حال توسعه از آفریقا و آسیا تشکیل می‌دهد. بر همین اساس سعی دارند با در نظر گرفتن کرسی‌های دائمی و غیردائمی برای آن‌ها، موافقت و نظر مساعد این کشورها را جلب کنند (Flamini, 2005, 2). مهم‌ترین تفاوت این طرح با طرح اتحادیه آفریقا در این است که در این طرح به علت مخالفت چین و بی‌میلی امریکا، بحث کسب حق و تو به مدت ۱۵ سال از زمان عضویت دائم مسکوت می‌ماند. با توجه به حضور ژاپن و آلمان در این گروه، دومین و سومین تأمین‌کننده بودجه سازمان ملل، آن‌ها به دنبال کسب حمایت ایالات متحده بودند. علی‌رغم حمایت اولیه امریکا از این گروه، به علت مخالفت آلمان با حمله امریکا به عراق در ۲۰۰۳ و سوابق رأی‌های هند و برزیل در مجمع عمومی، امریکا در آن زمان توجه خود را بر ژاپن متمرکز کرد.

- **طرح اتحادیه آفریقا:** اتحادیه آفریقا بر تأمین حق مشروع آفریقا براساس موقعیت جغرافیایی و این‌که هرگونه اصلاحاتی در سازمان ملل باید تمام ارکان آن از جمله شورای امنیت را در بر گیرد، تأکید می‌کنند. در این قاره مصر، آفریقای جنوبی و نیجریه جلودار مدعیان عضویت دائم در شورای امنیت هستند. طبق طرح این اتحادیه با افزایش ۶ کرسی دائم با حق و تو و ۵ کرسی غیردائم، اعضای شورا را باید به ۲۶ عضو رساند. از ۶ کرسی دائم به آسیا و آفریقا هر کدام ۲ کرسی و به گروه اروپای غربی و سایرین و نیز امریکای لاتین و حوزه کارائیب هر کدام یک کرسی تعلق می‌گیرد. در توزیع ۵ کرسی غیردائم نیز آفریقا ۲ کرسی و آسیا، اروپای شرقی، امریکای لاتین و حوزه کارائیب هر کدام باید یک کرسی داشته باشند (Okumu, 2005, 4).

**طرح‌های گروه کاری بدون محدودیت:** این گروه شامل کمیته ۱۶ نفری است که توسط دبیر کل در سال ۲۰۰۳ تشکیل شد. در گزارش ۹۶ صفحه‌ای این گروه که با عنوان «آزادی بیش‌تر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه» توسط کوفی عنان منتشر شد در بخش گسترش شورای امنیت دو طرح ارائه گردید که هر دو طرح ناظر به افزایش اعضای شورای امنیت به ۲۴ عضو است که با عنوان مدل‌های الف و ب مطرح شده‌اند. در مدل الف، شش کرسی دائمی بدون وتو و سه کرسی تازه غیردائم و دو ساله پیش‌بینی شده است. در توزیع کرسی‌های دائم دو کرسی به آفریقا، دو کرسی به آسیا و اقیانوسیه، یک کرسی دائم به اروپا و یک کرسی دائم نیز به قاره امریکا تعلق می‌گیرد (Wouters and Ruys, 2005, 19). براساس این طرح، توزیع کرسی‌های غیردائم دوساله تازه و کنونی به صورت زیر خواهد بود: چهار کرسی برای قاره آفریقا، سه کرسی برای قاره آسیا و اقیانوسیه، دو کرسی برای اروپا و چهار کرسی برای امریکا. در این طرح تمام سیزده کرسی غیردائم، دوساله و تجدید نشدنی خواهد بود (یزدانی و دوستی، ۱۳۸۷، ۱-۳۲).

در مدل ب، هیچ کرسی دائم پیش‌بینی نشده است. اما گروه تازه‌ای از هشت کرسی تجدید شدنی چهارساله و یک کرسی تازه غیردائم و تجدید نشدنی دو ساله که بین حوزه‌های منطقه‌ای مهم تقسیم خواهد شد، ایجاد می‌شود. بر پایه مدل ب، توزیع کرسی‌های چهار ساله تجدید شدنی این گونه خواهد بود که به هر حوزه منطقه‌ای (آفریقا، آسیا و اقیانوسیه، اروپا و امریکا) دو کرسی اختصاص خواهد یافت. بر پایه این طرح، توزیع کرسی‌های غیردائم و تجدید نشدنی دوساله اینگونه خواهد بود که به حوزه منطقه‌ای آفریقا چهار کرسی، به آسیا سه کرسی، به اروپا یک کرسی و به امریکا سه کرسی تعلق می‌گیرد (یزدانی و دوستی، ۱۳۸۷، ۱-۳۲).

**طرح‌های «گروه اتحاد برای اتفاق»<sup>۱</sup>:** آرژانتین، ایتالیا، پاکستان، مکزیک، کانادا، کره جنوبی، اسپانیا و ترکیه در برابر گروه ۴، گروه اتحاد برای اتفاق را تشکیل داده‌اند. به نظر این گروه، طرح گروه ۴ برای افزایش شمار اعضای شورای امنیت تبعیض آمیز است و هژمونی‌های سطحی در سراسر جهان ایجاد می‌کند که در کار شورای امنیت اختلال و کندی ایجاد خواهد کرد. این گروه معتقد است که هرگونه گسترش در شورای

امنیت باید آن را دموکراتیک تر، شفاف تر، مؤثرتر و پاسخگوتر کند. این گروه در رابطه با گسترش شورا در آوریل ۲۰۰۵ دو مدل موسوم به مدل آبی<sup>۱</sup> و مدل سبز<sup>۲</sup> را ارائه کردند. ایتالیا نیز بصورت مستقل در راستای تقسیم بندی‌های منطقه‌ای مدلی را ارائه کرده است.

**الف) مدل آبی:** در این مدل، کرسی‌های بلند مدت تری پیشنهاد شده است. بر پایه این الگو، افزون بر این که شماری کرسی غیردائم افزوده خواهد شد، کرسی‌های طولانی تر سه یا چهار ساله نیز ایجاد می‌گردد و شانس گزینش دوباره کشورها برای این کرسی‌ها وجود خواهد داشت (Global Policy Forum, 2005, 4).

**ب) مدل سبز:** براساس این مدل ده عضو جدید به شورای امنیت اضافه می‌شود که این گسترش فقط در بخش اعضای غیردائم شورا خواهد بود و تمام بیست عضو غیردائم برای مدت دو یا سه ساله قابل تجدید از سوی مجمع عمومی انتخاب می‌شوند (Global Policy Forum, 2005, 5).

**ج) مدل منطقه‌ای ایتالیا:** این مدل ضمن حفظ گروه بندی‌های منطقه‌ای در انتخاب اعضای غیردائم شورای امنیت و مجمع عمومی (آسیا، آفریقا، اروپای غربی و سایر کشورها، امریکای لاتین و حوزه کارائیب و اروپای شرقی)، ۱۰ کرسی دائم جدید بدون حق وتو را برای مناطق، نه کشورهای خاص، در نظر گرفته است (Mayer, 1998, 6).

### بهره پنجم: موانع اصلاحات در شورای امنیت

اصلاحات در سازمان ملل و شورای امنیت نمی‌تواند بدون توجه به توزیع قدرت و ساختار نظام بین‌الملل صورت گیرد. نوع توزیع قدرت در نظام بین‌الملل به دو صورت، موانعی را در برابر اصلاحات سازمان ملل و شورای امنیت ایجاد کرده است. تعدادی از این موانع، از ساختار خود سازمان ملل متحد (دیدگاه‌های اعضای دائمی شورای امنیت، وجود حق وتو و مشکل تصویب) و تعدادی نیز از واقعیت‌های سیاسی خارج از سازمان ملل (رقابت‌های سیاسی و منطقه‌ای دولت‌ها در قالب حفظ وضع موجود، فقدان اجماع نظر میان طرفداران اصلاحات شورای امنیت و مسائل مربوط به کشورهای نامزد عضویت دائم در شورای امنیت) ناشی می‌شود که به تبیین آن‌ها می‌پردازیم.

- 
1. Blue Model
  2. Green Model

**الف) ساختار سازمان ملل:** نوع توزیع قدرت در سازمان ملل و اعطای امتیازات ویژه به اعضای دائمی، خود به‌منزله مانعی در برابر اصلاحات سازمان ملل مطرح شده است. این کشورها که با توجه به توانایی‌های خود پس از جنگ جهانی دوم، امتیازاتی را به دست آورده‌اند، معتقدند سازمان ملل که در ابتدا یک اتحاد میان رهبران جنگ علیه فاشیسم بود، بجای آن‌که یک سازمان جهانی باشد، در وهله اول باید در راستای تأمین منافع آن‌ها گام بردارد (Luck, 2005, 2). در مجموع، موانع موجود در ساختار سازمان ملل برای اصلاحات در این سازمان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

#### ۱) دیدگاه‌های اعضای دائم شورای امنیت

- ایالات متحده آمریکا: قدرت و جای‌گاه ایالات متحده آمریکا پس از فروپاشی شوروی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی به گونه‌ای است که هیچ یک از رقیبان را توان مقابله با آن نیست. حمله آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ که علی‌رغم عدم تأیید شورای امنیت صورت گرفت، نشان بارز این توانایی‌های آمریکا بود. در واقع، واشنگتن با توجه به منافع و اهداف خود و این‌که سازمان ملل تا چه حد می‌تواند به‌منزله ابزاری برای رسیدن به این اهداف باشد به سازمان ملل توجه می‌کند. این دیدگاه بعد از ورود نو محافظه کاران به کاخ سفید تقویت شد، به طوری که جرج بوش بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر با الهام از عقاید نو محافظه کاران مدعی شد که شورای امنیت در مواردی که منافع قدرت‌های بزرگ ایجاب می‌کند، نباید تأکید ویژه‌ای بر حفظ هنجارها و مقررات جهانی داشته باشد (ترابی، ۱۳۸۵، ۵). در استراتژی امنیت ملی آمریکا نیز که در زمان دولت بوش منتشر شد، آمده است ما آماده هستیم تا به گونه‌ای جداگانه و مستقل از شورای امنیت، زمانی که منافعمان اقتضاء می‌کند عمل کنیم (Whitehouse, 2007, 2) در مجموع، آمریکا در مورد اصلاحات شورای امنیت معتقد است که موقعیت اعضای دائمی فعلی باید حفظ شود و اصلاحات در شورای امنیت و سازمان ملل نباید به کارایی آن ضربه بزند. بر این اساس آمریکا به سه دلیل با طرح‌های ارائه شده مخالفت کرده است: الف) دولت آمریکا معتقد است که اصلاحات شورا باید به دنبال تکمیل اصلاحات سازمان ملل باشد. مشکلات مدیریتی، فساد و عدم شفافیت و مسؤولیت، بسیار بیش‌تر از نوع ترکیب شورای امنیت، کارایی و اعتبار سازمان ملل را تهدید می‌کند و مباحثات باید بیش‌تر بر این اصلاحات متمرکز باشد (Gardiner and

5, 2007, Schaefer). ب) ایالات متحده با طرح‌های ارائه شده برای گسترش شورای امنیت تا ۲۵ یا ۲۶ عضو مخالف است و گسترش شورا حداکثر تا ۱۹ و ۲۰ عضو را می‌پذیرد و به بررسی طرح‌هایی با دو، سه عضو دائم و دو یا سه عضو غیردائم و منتخب توسط مناطق تمایل دارد (5, 2007, Gardiner and Schaefer). در بین کشورهای نامزد عضویت دائم در شورای امنیت، امریکا ابتدا از عضویت ژاپن و آلمان حمایت می‌کرد و سعی داشت با جلب مشارکت آن‌ها در چالش‌های جهانی از بار مسئولیت‌های خود بکاهد. اما به علت مخالفت آلمان با حمله امریکا به عراق، واشنگتن از عضویت دائم ژاپن در شورای امنیت حمایت کرد. این حمایت امریکا از ژاپن با توجه به نقش این کشور در تأمین بودجه سازمان ملل و به منظور تجدید نظر در ارزشیابی‌های سازمان ملل در مورد میزان تعهد مالی اعضای دائم شورای امنیت و همچنین هماهنگی بیش‌تر ژاپن با سیاست‌های امریکا قابل ارزیابی است (Schaefer and Brett, 2005, 2). البته با روی کار آمدن دولت آنجلا مرکل در آلمان و اتخاذ سیاست‌هایی در امتداد خواسته‌های دولت مردان کاخ سفید در خصوص مسائل مختلف بین‌المللی، این کشور نیز مجدداً توانست نظر مساعد امریکا را نسبت به عضویت دائم در شورای امنیت کسب نماید. هند نیز در ژوئن ۲۰۱۰ خبر همکاری دولت باراک اوباما برای عضویت دائم این کشور در شورای امنیت را به سبب آن چه وزنه سنگین بودن دهلی نو، توسط واشنگتن از آن نام برده می‌شود، دریافت کرد (1, 2010, Hostednews). (ج) سوابق رأی دهی نیز از جمله مواردی است که امریکا در تعیین نامزدهای عضویت مد نظر قرار می‌دهد. سوابق رأی دهی پنج کشور خواهان عضویت دائم نشان می‌دهد که در بیش از ۷۰٪ مواقع علیه موضع امریکا رأی داده‌اند. میزان رأی موافق پنج کشور بین ۲۰۰۴-۱۹۹۹ بشدت کاهش یافته به طوری که آلمان از ۷۰٪ رأی موافق به ۳۵٪، ژاپن از ۶۳٪ به ۴۳٪، برزیل از ۲۹٪ به ۱۵٪ و آفریقای جنوبی از ۴۰٪ به ۱۱٪ کاهش یافته و هند به طور پیوسته طی چند سال گذشته بر خلاف سیاست‌های امریکا رأی داده است (6, 2007, Gardiner and Schaefer). براین اساس، دولت امریکا افزایش اعضای شورای امنیت را به مثابه حمایت کمتر از الویت‌ها و منافع این کشور تفسیر می‌کند و لذا سعی دارد با گسترش محدود شورا و وارد ساختن کشورهای مورد نظر، سازمان ملل را به ابزاری برای پیگیری اهداف و مشروعیت بخشی به اقدامات خود تبدیل کند. (5, 2005, Gardiner and Schaefer)

- روسیه: مسکو از ابتدا مخالف هرگونه افزایش اعضای شورای امنیت بوده است و سعی دارد با توجه به حق وتوی خود در شورای امنیت، به‌منزله عمده‌ترین مانع افزایش اعضای شورا مطرح باشد. روس‌ها به آلمان و ژاپن به چشم توانمندان اقتصادی-مالی نگاه می‌کنند که باید تا حدی بار مالی و هزینه‌های تبدیل شوروی به روسیه را تقبل نمایند، از سوی دیگر، مسکو با تکیه بر سر جزایر کوریل اختلافات حل نشده‌ای دارد که سعی می‌کند از آن‌ها به‌منزله ابزاری برای چانه زنی استفاده کنند. براین اساس، دولت روسیه بدون اشاره به افزایش اعضای شورای امنیت، خواهان یافتن راه و روش‌هایی برای تقویت بیش از پیش شورای امنیت به‌منزله نهاد مرکزی سازمان ملل متحد است که عهده دار اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است (شاکریان، ۱۳۷۴، ۴۵-۶۶).

- چین: مقامات پکن با حمایت از اصلاحات در سازمان ملل، سعی در شکل دهی به آنچه چند جانبه‌گرایی<sup>۱</sup> و موازنه قدرت می‌نامند، دارند. اما از این‌که با عضویت کشورهای توسعه یافته شورای امنیت تبدیل به باشگاه ثروتمندان شود نگران هستند (حاتمی، ۱۳۸۴، ۹). علاوه براین، چین به دلایل مسایل ژئوپلیتیکی، مخالف عضویت ژاپن و هند در شورای امنیت است. این امر باعث شده که چین تلاش گسترده‌ای علیه پیش نویس قطعنامه ارائه شده از سوی گروه ۴ با هدف جلوگیری از عضویت ژاپن در شورا انجام دهد. به دنبال آن چین سعی کرد با نزدیک شدن به گروه اتحاد برای اتفاق تلاش گسترده‌ای را برای اعمال نفوذ بر کشورها به ویژه در آفریقا و آسیا، برای جلوگیری از حمایت آن‌ها از پیش نویس مذکور به عمل آورد. به زعم برخی از کارشناسان، چین به همراه دو قدرت دیگر، یعنی آمریکا و روسیه افزایش اعضای دائم شورای امنیت را به مثابه خطر تضعیف این نهاد تلقی می‌نمایند و بیشتر درصدد حفظ وضع موجود هستند (Martini, 2009, 9).

- انگلستان و فرانسه: برخلاف سه کشور قبلی، فرانسه از عضویت دایم ۶ کشور و از جمله آلمان حمایت می‌کند (Reni, 2009, 1). چرا که شورای امنیت بزرگتر مشروعیت بیشتری خواهد داشت و اعضای جدید از جمله آلمان، برزیل، هند و دو کشور آفریقایی جانب فرانسه را خواهند گرفت. هم‌چنین فرانسه و انگلستان متوجه هستند که مخالفت با عضویت آلمان، روابط میان لندن، پاریس و برلین را تیره خواهد کرد و منجر به فشار برای کسب کرسی دائم به نفع اروپا و نه فرانسه و انگلیس خواهد شد (گوردون، ۱۳۸۴، ۴).

**۲) وجود حق وتو**

حق وتو که پس از پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل، بر اساس اندیشه برتری صلح بر عدالت، در اختیار پنج عضو دائم شورای امنیت یعنی آمریکا، فرانسه، بریتانیا، روسیه و چین قرار گرفت، به‌منزله مانعی بزرگ بر سر راه اصلاح ساختار شورای امنیت مطرح است. این در حالی است که بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل معتقدند باید با توجه به تغییر شرایط جهانی نسبت به شش دهه پیش، تغییر عمده‌ای در حق وتو و اختیارات ناشی از آن صورت پذیرد. به همین منظور و در جریان جلساتی که درباره اصلاح ساختار سازمان ملل در خصوص راه‌گریز یا مقابله با حق وتو برگزار شد، شماری از کشورها پیشنهاد کردند که به‌جای حذف حق وتو که اقدامی غیرواقع‌بینانه توصیف شده است، شرایط استفاده از وتو را محدود کنند. به عنوان مثال، استفاده از حق وتو می‌تواند در تصمیم‌های شورای امنیت در مورد قتل عام، جنایت علیه بشریت و جنایات نظامی، غیر ممکن شود. علاوه بر این بسیاری از کشورها معتقدند که اعضای دائم شورا حق ندارند قطعنامه‌های مربوط به مسائلی را وتو کنند که خود یکی از طرفین درگیر در آن هستند. هم‌چنین پیشنهادهایی وجود دارد که تصمیم‌گیری در شورا در صورتی متوقف شود که مخالفت با آن نه از سوی یک کشور، بلکه از طرف دو عضو دائم شورای امنیت باشد. این پیشنهادات در مجموع، خواهان محدودیت قدرت پنج عضو اصلی شورای امنیت است که با توسل به حق وتو، مانعی عمده بر سر راه اصلاحات شورای امنیت محسوب می‌گردند؛ چرا که این پنج کشور با استناد به حق وتو از امکان مخالفت با هر گونه تغییر در این نهاد برخوردار هستند.

**۳) مشکل تصویب**

مانع دیگری که ناشی از ساختار سازمان ملل است مشکل تصویب طرح اصلاحات در مجمع عمومی و شورای امنیت است. چراکه طبق منشور سازمان ملل هرگونه تغییر نیازمند رأی اکثریت اعضای شورای امنیت همراه با موافقت ۵ عضو دائمی و موافقت دو سوم اعضای مجمع عمومی است. همان‌گونه که اشاره شد تصویب هر گونه طرح در شورای امنیت به منافع اعضای دائم بستگی دارد. در مورد تفسیر این اصل بین اعضاء اختلاف نظر وجود دارد، در حالیکه موافقان گسترش شورا، معتقد به رأی مثبت دو سوم رأی‌دهندگان هستند، مخالفان معتقدند که باید دو سوم کل اعضای مجمع

عمومی با تغییر منشور موافقت کنند (Haq, 2005, 2). علاوه بر این، در صورت تصویب طرح اصلاحات در سازمان ملل، از آنجایی که آن یک معاهده بین‌المللی محسوب می‌گردد، نیاز به تصویب پارلمان‌های کشورهای عضو دارد که خود این باعث طولانی شدن روند تصویب و اجرایی شدن منشور جدید خواهد شد. ب) تعدادی دیگر از موانع اصلاحات در شورای امنیت، مربوط به واقعیت‌های سیاسی خارج از سازمان ملل مانند رقابت‌های سیاسی و منطقه‌ای دولت‌ها، فقدان اجماع نظر میان طرفداران اصلاحات در شورای امنیت و یا مربوط به نامزدهای عضویت در شورای امنیت هستند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

**۱) رقابت‌های سیاسی و منطقه‌ای دولت‌ها:** بسیاری از کشورها در راستای حفظ موقعیت خود در رقابت‌های سیاسی و منطقه‌ای، سیاست تمایل به ادامه وضع موجود را پیگیری می‌نمایند. این در حالی است که خود دولت‌های طرفدار حفظ وضع موجود نیز به دوگروه تقسیم می‌شوند: گروه اول، گروهی از کشورهای متوسطی هستند که خود شناسی برای عضویت دائمی در شورای امنیت ندارند و در عین حال سخت‌نگران عضویت دائمی رقبای منطقه‌ای شان در شورای امنیت هستند. کشورهایی مانند آرژانتین، مکزیک، ایتالیا، اسپانیا، پاکستان، کره جنوبی و... که عمدتاً در قالب گروه اتحاد برای اتفاق قرار دارند، به دنبال گسترش اعضای غیردائم شورا هستند تا از این طریق بخت خود را برای حضور در شورا افزایش دهند. گروه دوم، کشورهایی هستند که برای فراهم کردن امکان عضویت دائمی تعدادی از قدرت‌های متوسط در شورا بدون این‌که این کشورها در آینده کوچکترین احساس پاسخگویی در برابر آن‌ها داشته باشند، دلیلی نمی‌بینند. این کشورها ترجیح می‌دهند فرصت بیشتری را برای عضویت خود در شورا حفظ کنند یا حداقل کشورهای خواهان عضویت در شورای امنیت در هر مرحله به رأی آن‌ها نیاز داشته باشند (احمدی، ۱۳۸۵، ۱۴۶).

**۲) عدم اجماع نظر بین نامزدهای عضویت دائم در شورای امنیت:** پیش شرط ایجاد تغییر در نهادهای فراملی آن است که اتحادی بین منافع سیاسی به وجود آید. اما نکته این جاست که کشورها دارای منافع ملی گوناگونی هستند و هنگامی که بر سر میز مذاکره می‌نشینند هر طرف با دیدگاه خاص مربوط به منافع ملی خود، به قضایا می‌نگرند. این امر باعث شده است که اتحاد سیاسی به امر سخت و پیچیده‌ای تبدیل شود. در مورد اصلاحات شورای امنیت نیز علی‌رغم اشتراک نظر اکثر کشورها مبنی بر

اصلاحات در سازمان ملل و شورای امنیت، این کشورها بر سر طرحی که منافع همه آن‌ها را تأمین کند به اجماع نرسیده‌اند. ارائه طرح‌های مختلفی مانند طرح اتحادیه آفریقا، طرح گروه چهار، مدل‌های آبی، سبز و ... نشان از این امر دارد. برای نمونه بین اعضای گروه چهار که مهم‌ترین طرفداران اصلاحات در شورای امنیت هستند، اختلاف منافع وجود دارد. درحالی‌که ژاپن همراه با برزیل، آلمان و هند به صورت مشترک قطعنامه قبلی گروه ۴ را در جلسه مجمع عمومی در سپتامبر ۲۰۰۵ مطرح کرده بودند، اما ژاپن از این اتحاد جدا شده و به صورت مستقیم با ایالات متحده آمریکا مشورت می‌کند. طی ملاقات مقامات ایالات متحده آمریکا و ژاپن، دو طرف به تداوم همکاری برای اصلاح سازمان ملل و شورای امنیت توافق کردند. ژاپن براساس قطعنامه جدید به دنبال افزایش اعضا به ۲۱ عضو است که این نشان دهنده نزدیکی دیدگاه‌های ژاپن به آمریکا است. درحالی‌که برزیل، آلمان و هند همان قطعنامه قبلی را دوباره ارائه کردند (Global Policy Forum, 2006, 2). علاوه بر این، در مورد اصلاحات کارکردی سازمان ملل نیز اعضا، منافع و دیدگاه‌های متضادی دارند. مثلاً کشورهای آفریقایی و هند و برزیل، مخالف گسترش وظایف سازمان ملل به مسائل حقوق بشر و مداخلات بشر دوستانه هستند درحالی‌که ژاپن و آلمان به‌منزله موافقان این امر مطرح هستند. (Luck, 2005, 4).

**۳) مسائل مربوط به کشورهای نامزد عضویت دائم در شورای امنیت:** از آنجایی که وظیفه اصلی شورای امنیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، اعضای دائم آن نیز به ضرورت باید بیش‌ترین نقش و مشارکت را در این امر داشته باشند و از نظر بین‌المللی و داخلی دارای ویژگی‌هایی باشند که بتوانند عهده‌دار انجام چنین مسؤلیت سنگینی شوند. اما نامزدهای عضویت دائم به ویژه اعضای گروه ۴ هر کدام با مسائل و مشکلاتی روبرو هستند.

ژاپن علی‌رغم این‌که از لحاظ اقتصادی و ثبات سیاسی چالش خاصی ندارد و در حال حاضر دومین اقتصاد جهان و تأمین‌کننده هزینه‌های سازمان ملل است اما از ظرفیت و توان نظامی کافی برای اقدام نظامی در اقصی نقاط جهان برخوردار نیست. مشکل اصلی ژاپن، ماده ۹ قانون اساسی این کشور در مورد عدم نظامی‌گری این کشور در مسائل جهانی است. هر چند که ژاپنی‌ها معتقدند که استقرار نیروهایشان در عراق می‌تواند به‌منزله تجربه‌ای برای شرکت در عملیات حفظ صلح در شورای امنیت

باشد(آقا زاده، ۱۳۸۵، ۳). آلمان نیز مانند ژاپن از لحاظ اقتصادی و ثبات سیاسی مشکل خاصی ندارد اما از لحاظ نظامی دچار ضعف است که این امر ناشی از سیاست غیرنظامی کردن آلمان پس از جنگ جهانی دوم است. به طوری که امروزه ۷۰ درصد نیروهای نظامی این کشور، تحت اختیار ناتو هستند و چیزی به عنوان ارتش مستقل و مستحکم در این کشور وجود ندارد(آقا زاده، ۱۳۸۵، ۴). دو کشور هند و برزیل نیز علی‌رغم جمعیت، وسعت، موقعیت ژئوپلیتیک و توانمندی‌های نسبی اقتصادی و سیاسی در سطح منطقه با مشکلات سیاسی و اقتصادی داخلی روبرو هستند. هند با چالش ثبات سیاسی و ناآرامی‌های مرزی و قومی و درگیری با پاکستان بر سر مسأله کشمیر و برزیل نیز با مشکلات اقتصادی و فقر طبقاتی شدید و عدم ثبات نسبی سیاسی مواجه‌اند.

### نتیجه‌گیری

با پایان جنگ سرد، اتفاق نظر در مورد این موضوع که ترکیب کنونی شورای امنیت منعکس‌کننده ترکیب جامعه بین‌المللی در دوران معاصر نیست، بیش از پیش قوت گرفت. چرا که معیارهایی که عمدتاً پس از پایان جنگ جهانی دوم برای تنظیم روابط بین‌المللی در نظر گرفته شده بود دیگر با واقعیات امروز تطبیق چندانی نداشته و جوابگوی نیازهای جامعه بین‌المللی نبودند. لذا در پرتو تحولات بنیادینی که پس از جنگ سرد در روابط بین‌الملل رخ داد و با عنایت به فروپاشی نظام دو قطبی، طرح مسائل امنیتی جدید، افزایش توان تأثیرگذاری برخی از قدرت‌های نوظهور و مسأله نیاز به نمایندگی عادلانه در شورای امنیت، تقریباً همه اعضای سازمان ملل متحد در خصوص اصل تغییر ترکیب و جای‌گاه قدرت و روش تصمیم‌گیری در این نهاد به اشتراک نظر رسیدند. در همین راستا بود که اصلاح ساختار شورای امنیت از سال ۱۹۹۳ به این سو، در دستور کار مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت و یک گروه کاری مرکب از کلیه اعضای سازمان ملل نیز مأمور تدارک آن گردید. در ادامه نیز گروه‌های مختلف طرح‌هایی در راستای انجام اصلاحات در شورای امنیت ارائه نمودند که در این میان، مدل مطرح شده توسط گروه چهار، مدل‌های الف و ب گروه کاری شانزده نفره، مدل گروه اتحاد برای اتفاق و مدل اتحادیه آفریقا نسبت به سایر مدل‌ها توجهات بیشتری را به خود جلب کردند. اما پیشنهادات و راهکارهای مطرحه، مسیر متفاوتی

برای عملی ساختن اصلاحات در شورای امنیت در پیش گرفته‌اند و به همین جهت، علی‌رغم بحث و بررسی طی سال‌های گذشته و تشکیل گروه کاری، موضوع اصلاحات، پیوسته با موانعی عمده مواجه بوده است. برخی از این موانع، از ساختار خود سازمان ملل متحد (دیدگاه‌های اعضای دائمی شورای امنیت، وجود حق وتو و مشکل تصویب) و تعدادی نیز از واقعیت‌های سیاسی خارج از سازمان ملل (رقابت‌های سیاسی و منطقه‌ای دولت‌ها در قالب حفظ وضع موجود، فقدان اجماع نظر میان طرفداران اصلاحات شورای امنیت و مسائل مربوط به کشورهای نامزد عضویت دائم در شورای امنیت) ناشی می‌شود. در مجموع می‌توان گفت، شورای امنیت به‌منزله مهم‌ترین نهاد بین‌المللی که وظیفه تأمین نظم و امنیت را عهده دار است، با توجه به تحولات کنونی و تغییر ساختار نظام بین‌الملل، نیاز اساسی و مبرم به اصلاحات دارد اما با عنایت به این که این نهاد، همواره محل زورآزمایی قدرت‌های بزرگ و متوسط بوده است طوری که، این کشورها سعی داشته‌اند تا از یک سو، بازتاب قدرت خود را در این نهاد مشاهده کنند و از سوی دیگر، مانع انعکاس قدرت رقبای خود در آن شوند، بروز مشکلات و موانع بر سر راه اصلاحات شورای امنیت بدیهی‌ترین پیامد این موضوع خواهد بود.

## منابع فارسی:

۱. بند ۱ ماده ۲۴ منشور ملل متحد: به منظور تأمین اقدام سریع و موثر از طرف ملل متحد اعضای آن مسؤولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نماید و مراقبت می‌کنند که این شورا در اجرای وظایفی که به موجب این مسؤولیت برعهده دارد، از طرف آن‌ها اقدام نماید.
۲. اسلامی، مسعود (۱۳۸۵)، «مشروعیت شورای امنیت در ترازوی اخلاق، حقوق و سیاست»، ماهنامه زمانه، سال پنجم، شماره ۴۹.
۳. آقا زاده، مازیار (۱۳۸۵)، «سهم خواهان جدید شورای امنیت»، بر گرفته از: <http://www.beta.did.ir/document/index.fa/asp?cn>
۴. آقای، سید داوود (۱۳۸۴)، نقش و جای‌گاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران: انتشارات نسل نیکان.
۵. آقای، سید داوود (دی ماه ۱۳۸۳)، «شرایط نوین بین‌المللی و ضرورت تحول ساختاری در سازمان ملل متحد»، همشهری دیپلماتیک.
۶. آقای، سید داوود (۱۳۸۲)، «جای‌گاه و نقش سازمان ملل در دوره پس از جنگ سرد»، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، برگرفته از: <http://did.ir/document/index.fa.asp?cn=sp00020032002212609>
۷. امیری وحید، مجتبی (۱۳۸۴)، «سازمان ملل متحد در سده بیست و یکم: نگاهی به اصلاحات محتوایی و ساختاری سازمان ملل متحد»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۱۴-۲۱۳.
۸. بعیدی نژاد، حمید و همکاران (۱۳۸۵)، تحول در ساختار نظام بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. بیلینس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، جلد اول، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۰. ترابی، قاسم (زمستان ۱۳۸۵)، «اصلاحات شورای امنیت: زمینه‌ها و موانع»، راهبرد، بر گرفته از: <http://did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020072004271015>

۱۱. حاتمی، امید (۱۴ شهریور ۱۳۸۴)، «اصلاحات در سازمان ملل»، روزنامه ایران.
۱۲. دوستی، جعفر (اردیبهشت ۱۳۸۶)، بررسی پیشنهادهای مربوط به اصلاحات ساختاری در شورای امنیت سازمان ملل متحد و آینده آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۱۳. روزنامه کیهان، ۱۳۷۹/۱۲/۱۲.
۱۴. سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۳)، نظریه پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی فکری و قالب‌ها، تهران: انتشارات سمت.
۱۵. سیمبر، رضا (۱۳۷۴)، «اصلاحات در سازمان ملل پس از جنگ سرد»، فصلنامه سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۳.
۱۶. شاکریان، شاهرخ (۱۳۷۴)، «شورای امنیت، فرایند توزیع مجدد قدرت»، فصلنامه سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۳.
۱۷. قاسمی، حاکم (۱۳۸۵)، «سازمان ملل بازیگری با نقش‌های متفاوت» ماهنامه زمانه، سال پنجم، شماره ۴۹.
۱۸. گوردون، فیلیپ. اچ (۱۳۸۴)، «سناریویی برای اصلاحات در سازمان ملل»، ترجمه مصطفی شیرمحمدی، بر گرفته از:  
<http://rissna.ir/ViewTK.asp?txtC=t84062601030001001>
۱۹. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. موسی زاده، رضا (۱۳۸۴)، سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نشر میزان.
۲۱. مهدویان، حسن (۱۳۸۴)، «گسترش شورای امنیت: طرح‌ها و دیدگاه‌ها»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۶-۲۱۵.
۲۲. نقیب زاده، احمد (۱۳۸۳)، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات قومس.
۲۳. یزدانی، عنایت‌الله و جعفر دوستی (۱۳۸۷)، «بررسی طرح‌های پیشنهادی برای اصلاح شورای امنیت سازمان ملل متحد»، فصلنامه سیاست خارجی.

### منابع لاتین:

- جهت مطالعه مدل‌های کرسی‌های مضاعف، مدل x و مدل گوردون مراجعه کنید به :
1. Hoffmann, Walter (2006), "The Model Duo: Could Dual Seating Break the Deadlock on Security Council Reform?", available at:  
<http://www.centerforunreform.org/node/57>
  2. Hoffmann, Walter (2006), "A Competing Model: A Security Council with 20 Members", available at:  
<http://www.centerforunreform.org/node/52>
  3. Auswärtigesamt (2009), "Reforming the United Nations Security Council". Available at:  
<http://www.auswaertigesamt.de/diplo/en/Aussenpolitik/InternatOrgane/VereinteNationen/ReformVN/ReformSR.htm>
  4. Documents Of The United Nations Conference,(2002), International Organization, Vol. 22.
  5. Flamini, Ronald (2005), "Battle over Security Reform", available at:  
<http://www.wpherald.com/soryview.php?storyID=2005081212-033804>
  6. Gardiner, Nile and Schaefer, Brett. D. (2007), "U.N. Security Council Expansion is not in the U.S Interest", available at:  
<http://www.heritage.org/Research/InternationalOrganization/bg1876.cfm>
  7. Gardiner, Nile, Schaefer, Brett (August 2005), "U.N Security Council Expansion Is Not the U.S Interest", Backgrounder, Published by Heritage Foundation, No.1876, available at:  
<http://files.janjires.webnode.cz/Reforming%20the%20UN%20%20Heritage%20Foundation.pdf>
  8. Global Policy Forum (2007), "Changing Patterns in the Use of the Veto in the Security Council", available at:  
<http://www.globalpolicy.org/security/data/vetotab.htm>

9. Global policy (2006), "Japan Unlikely to Submit Security Council Reform Plan by September", available at:  
<http://www.globalpolicy.org/security/reform/cluster1/2006/0319unlikely.htm>
10. Global Policy Forum (2005), "Blue Model", available at:  
<http://www.globalpolicy.Org/security/reform/cluster1/2005/04bluemodel.pdf>
11. Global Policy Forum (2005), "Green Model", available at:  
<http://www.globalpolicy.Org/security/reform/cluster1/2005/04greenmodel.pdf>
12. Goodrich, Leland M. and Hambro, Edward (1946), "Charter of the United Nations: Commentary and Documents", Boston: World Peace Foundation.
13. Haq, Farhan (2005), "Plans Dim for Security Council Expansion", Intersperses Service. Available at:  
<http://www.globalpolicy.org/security/reform/dim.htm>
14. Herald Tribune, 17January 1993.
15. Hosted news (2010), "US open to Security Council reform", available at: <http://www.Hostednews.com/afp/article>
16. Kugel, Alischa, (September 2009). "Reform of the Security Council—A New Approach?", FES NEW YORK, available at:  
<http://library.fes.de/pdf-files/iez/global/06696.pdf>
17. Luck, Edward (2005), "The UN Security Council: Reform or Enlarge?" Columbia: Columbia University, available at:  
<http://www.sipa.columbia.edu/cio/cio/projects/LuckCIGI.pdf>
18. Martini, Elisabetta (2009), "Un Security Council Reform, Current Developments", *Istituto Affari Internazionali (IAI)* in Rome, Available at: <http://www.iai.it/pdf/DocIAI/iai0926.pdf>
19. Mayer-Mruwat, Emad, (Spring 1998), "United Nations: Critiques and Reforms", *Journal of Third World Studies*.

20. Okumu, Wafula (2005), "Africa and the U.N Security Council Permanent Seat", available at:  
<http://www.globalpolicy.org/security/reform/cluster1/2005/0428afriseats.htm>
21. Reni, Hubert (2009), "Security Council Reform: Size of the Council and working methods - Statement at the General Assembly", available at: <http://www.franceonu.org/spip.php?article3764>
22. Schaefer, Brett and Brett, Janice (2005), "The U.S. Should Support Japan's Call to Revise the UN Scale of Assessments", available at:  
<http://www.heritage.org/Research/InternationalOrganizations/wm1017.cfm>
23. The National Security Strategy of the United State of America, (2007), available at: [www.Whitehouse.gov/Xsc/nss.pdf](http://www.Whitehouse.gov/Xsc/nss.pdf)
24. Weiss, Thomas G. Autumn (2003), "The Illusion Of UN Security Council Reform", *The Washington Quarterly*.
25. Wouters, Jan and Ruys, Tom (2005), "Security Council Reform: A New Veto for a New Century?" *Royal Institute for International Relations*, Brussels, available at:  
<http://www.irri-kiib.be/paperegm/ep9.pdf>